

۱۰ فیلم درباره‌ی تباطع عمیق انسانی معلمان با شاگردان شان

اجازه؟! گاش شما معلم ما بودید

در خیال و رؤیا، در آن دوردست غصب‌نشده‌ی که تنها و رها در بی‌کرائگی گستره وسیعی ساکنیم، در آن زمان و مکان نیامده و نزیسته که هر محالی به آنی ممکن می‌شود و استبداد هر بایدی با تلنگر اشتیاقی به خنوع پیش پای مان زانو می‌زند، بارها زندگی دیگری را زیسته‌ایم و لذت شناخت و هم‌نشینی با آدم‌های دیگری را به خودمان هدیه داده‌ایم. سینما مثل خیال و رؤیا چنین امکانی به ما می‌دهد. با سینما می‌توانیم جور دیگر زیستن را به تصور در آوریم و فرصت‌ها و موقعیت‌هایی را که در زندگی واقعی از ما دریغ شده تجربه کنیم و آدم‌هایی را بشناسیم و آرزو کنیم که ای کاش در زندگی واقعی با آنها آشنا می‌شدیم. برخی از معلمان سینمایی از آن دسته آدم‌هایی هستند که ایمان و انگیزه‌شان را در بهتر کردن زندگی شاگردان‌شان ستوده‌ایم و به همدلی و مدارایی که در درک و فهم آنها از خود نشان داده‌اند غبطه خورده‌ایم. شاید رابطه معلمی و شاگردی موضوع اصلی جشنواره فیلم رشد نباشد، با این حال واقعیت این است که آموزش و تربیت، فرایندی دوسویه میان معلم / آموزگار و شاگرد / فراگیر است و تحت تأثیر عواطف و احساسات حساس انسانی است که در شکل‌دادن به شخصیت هم شاگرد و هم حتی معلم نقش بسزایی دارد. در ادامه، تعدادی از بهترین فیلم‌هایی را معرفی کرده‌ایم که چهره‌های همدل و فراموشی‌نشدنی از معلمانی به تصویر کشیده‌اند که هر کس در هر سن و سالی و در هر جای دنیا آرزوی داشتن‌شان را دارد.

برفرازپلکان زیرزمینی

(رابرت مولینگان، ۱۹۶۷)

نام معلم: خانم برت (با بازی سیندی دنیس)

اقتباسی از زمانی به همین نام نوشته بل کافمن که بسیار پر فروش بود و به مسائلی همچون خشونت، یأس و ناامیدی، بوجی و سیستم‌های بوروکراتیک و شرایط خسته‌کننده در مدارس شهری می‌پرداخت. خانم برت، معلم انگلیسی دبیرستانی دولتی در شهر نیویورک است که دانش آموزانی از نژادهای مختلف دارد. او کلاسی از دانش‌آموزان با مسائل مختلف دارد و در ضمن باید خط‌قرمزهای اداری و سرزنش‌های همکارانش به شیوه آرام و متینش در تدریس را هم تحمل کند. برت و شاگردانش وقتی بین آثار ادبی و زندگی خودشان مشابهت‌هایی می‌بینند، بالاخره در کارشان موفق می‌شوند.



به‌آقا، باعشق

(جیمز کلیول، ۱۹۶۹)

نام معلم: مارک تاکری (با بازی سیدنی پوآتیه)

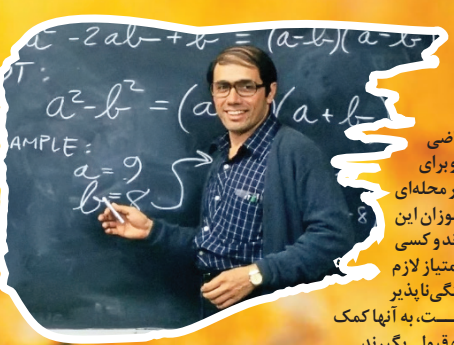
معلمی سباهیوست در مدرسه‌ای در شرق لندن که دانش‌آموزانش اکثر اخراجی‌های مدارس دیگرند و بدر فتاری‌هایشان باعث شده که آخرین معلم‌شان استعفا کنند، به عنوان معلم موقت استخدام می‌شود. با وجود شروع سختی که تاکری در مدرسه دارد و با دانش‌آموزان به مشکل می‌خورد، صبر و خونسردی او جواب می‌دهد و در نهایت به چیزی که می‌خواهد می‌رسد. تاکری شخصیت گرم و اطمینان‌بخش و همدات‌پنداری بر انگیزی دارد و همین ویژگی‌ها او را به یکی از معلمان فراموش‌نشدنی تاریخ سینما بدل کرده است.

بایست و تحویل بده

(رامون میندنز، ۱۹۸۸)

نام معلم: جیمی اسکالاتنه (با بازی ادوارد اولموس)

این فیلم که بر اساس شخصیت واقعی یک معلم ریاضی به نام جیمی اسکالاتنه ساخته شده، داستان تلاش او برای آموزش درس حسابان به دانش‌آموزان مدرسه‌ای در محله‌ای جرم‌خیز در شرق لس‌آنجلس است. اغلب دانش‌آموزان این مدرسه از خانواده‌های مهاجر و لاتین‌تبار کم‌درآمدند و کسی امیدی به موفقیت آنها در آزمون حسابان و کسب امتیاز لازم برای ورود به کالج ندارد. اما اسکالاتنه با تلاش خستگی‌ناپذیر و با پاور به توانایی دانش‌آموزانش، بدون چشم‌داشت، به آنها کمک می‌کند تا در آزمون‌هایی که هیچ‌کس باور نمی‌کند، نمره قبولی بگیرند.



به‌من تکیه کن

(جان جی. آویلدسن، ۱۹۸۹)

نام معلم: جو کلارک (با بازی مورگان فرمین)

فیلمی برگرفته از رویدادهای واقعی درباره معلمی سختگیر، اما درستکار به نام جو کلارک که به‌عنوان مدیر دبیرستانی در نیوجرسی انتخاب می‌شود. مصرف موادمخدر و کارهای خلاف در مدرسه به وفور شایع است و اغلب دانش‌آموزان نمی‌توانند در آزمون‌های مهارت‌های پایه موفق شوند و معلمان مدرسه هم از خشونت گروه‌های خلافکار در امان نیستند. کلارک مصمم است به هر تری تیبی وضعیت مدرسه را بهبود بخشد. با وجود اینکه به تدریج در تغییر فضای مدرسه موفقیت زیادی به دست می‌آورد، اما روش‌های غیر معمول او منجر به درگیری با مقامات شه‌ر می‌شود. کلارک برای سروسامان دادن به مدرسه‌اش عزمی راسخ دارد.



ذهن‌های خطرناک

(جان ان. اسمیت، ۱۹۹۵)

نام معلم: لوان جانسون (با بازی میشل فیفر)

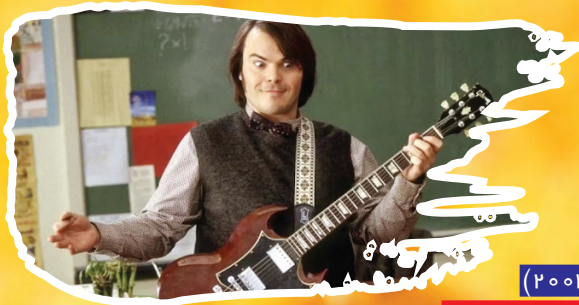
لوان جانسون، عضو سابق نیروی دریایی، به‌عنوان معلم در مدرسه‌ای واقع در محله‌ای فقیرنشین استخدام می‌شود. او به نازگی از همسرش جدا شده و دوستش کاری موقت برایش پیدا کرده است. پس از برخورد سرد دانش‌آموزان کلاسی که در عین مستعد بودن بسیار در درس‌سازند، او از روش‌هایی عجیب برای به‌دست آوردن اعتماد آنها استفاده می‌کند. لوان جانسون نمادی از استقامت و فداکاری معلمانی است که به شاگردان‌شان واقعا اهمیت می‌دهند و می‌خواهند به هر تری تیبی که شده نقش مؤثری در زندگی آنها بازی کنند.

مدرسه‌راک

(ریچارد لینکلینز، ۲۰۰۳)

نام معلم: دونی فین (با بازی جک بلک)

نوازنده گیتاری به نام دونی فین که از گروهش بیرون انداخته شده، با مشکلات مالی دست به‌گر بیان است و نیاز مبرمی به پول دارد. وقتی با همخانه‌اش تماس گرفته می‌شود تا در مدرسه‌ای خصوصی تدریس کند، او خودش را جای او جا می‌زند و در مدرسه دور از چشم مدیر و سایر معلمان به پیچه‌ها موسیقی راک درس می‌دهد. دونی که قابلیت پیچه‌ها را در موسیقی می‌بیند، به فکر تشکیل یک گروه راک برای شرکت در مسابقات می‌افتد. تصور فین این است که در مدرسه باید به پیچه‌ها خوش بگذرد و استعداد واقعی‌شان شناخته شود.



انجمن شاعران مرده

(پیترو ویر، ۱۹۸۹)

نام معلم: جان کیتینگ (با بازی رابین ویلیامز)

دبیرستان اعیانی ولتون، با قوانین خشک و رویکردی سختگیرانه در آموزش، هدفش دکتور وکیل ساختن از پیچه‌ها مطابق خواست والدین‌شان است. جان کیتینگ، معلم ادبیات انگلیسی جدید که جایگزین معلم قبلی می‌شود، قوانین عبوس و دست‌وپاگیر مدرسه را به هیچ می‌گیرد و روشی غیر سنتی در آموزش دارد. او پیچه‌ها را تشویق می‌کند که زندگی‌شان را خارق‌العاده کنند و با اصطلاح لاتین «carpe diem» به معنای «دم غنیمت‌دان» به آنها جرأت می‌دهد که با شجاعت به دنبال چیزی بروند که دوست دارند. از یک معلم، خوب دیگر چه توقعی می‌شود داشت؟



خدا حافظ آقای چیپس

(هربرت راس، ۱۹۶۹)

نام معلم: آر تور چیپینگ (با بازی پیترو اولموس)

آر تور چیپینگ، معروف به چیپس، معلم لاتین و یونانی در مدرسه‌ای عمومی در نزدیکی لندن است. شاگردانش به آر تور علاقه‌ای ندارند و او را آدمی کسل‌کننده می‌دانند. در تعطیلات تابستان آر تور با کاترین، خواننده تئاتر، آشنا می‌شود که از کار و زندگی عاطفی‌اش ناراضی است. این دو به هم نزدیک می‌شوند و با هم ازدواج می‌کنند. این ازدواج مرد تازم‌ای از آر تور می‌سازد و او موفق می‌شود با تغییر شیوه و نگاهش در میان شاگردانش به محبوبیت برسد.



نویسنده‌گان آزادی

(ریچارد لاکراونیس، ۲۰۰۷)

نام معلم: ارین گروول (با بازی هیلاری سوانک)

فیلمی بر اساس کتاب «خاطرات نویسندگان آزادی» که دربردارنده خاطرات واقعی معلمی به نام ارین گروول و خاطرات دانش‌آموزان او در کلاس ادبیات انگلیسی درباره زندگی روزمره‌شان است. ارین وارد مدرسه‌ای در یکی از مناطق مهاجرنشین آمریکا می‌شود که تنش‌های نژادی زیادی در میان دانش‌آموزان وجود دارد. ارین از یک طرف در مقابل دانش‌آموزانی قرار می‌گیرد که هر کدام عضو یک باند بز هکاری یا فروش موادمخدر هستند و به او اعتماد ندارند و از طرف دیگر با کادر مدرسه مواجه است که به این دانش‌آموزان بدبین‌اند و امیدی به پیشرفت‌شان ندارند. ارین با نشان دادن اثرات مخرب تعصبات نژادی سرمنشأ تغییر این فضای زندگی دانش‌آموزانش می‌شود.